هدف این وبسایت این است که متن رایگان خطابه‌ها و ویدیوهای آنها را در سراسر جهان در اختیار شبانان و میسیونرها قرار دهد، بخصوص برای کشورهای جهان سوم که در آنها فقط چند دانشکده الهیات یا مدارس دینی ممکن است باشد یا اصلأ وجود نداشته باشد.

متن مکتوب این خطابه‌ها و ویدیوها را هر ماه حدود یک و نیم میلیون رایانه در بیش از ۲۲۱ کشور از آدرس اینترنتی [www.sermonsfortheworld.com](http://www.sermonsfortheworld.com) دریافت می‌کنند. صدها نفر دیگر هم ویدیوی آنها را در یوتیوپ تماشا می‌کنند ولی زود از آن دست می‌کشند و به وبسایتمان مراجعه می‌کنند. یوتیوپ افراد را به وبسایتمان هدایت می‌کند. متن دستنویس خطابه‌ها هر ماه به ۳۷ زبان و به ۱۲۰ هزار رایانه ارائه می‌شود. این خطابه‌ها از حق چاپ برخوردار نیستند، در نتیجه واعظین می‌توانند بدون گرفتن اجازه از آنها استفاده کنند. همچنین صدها ویدیو از موعظه‌های دکتر هایمرز و شاگردانش موجود است. [لطفاً اینجا را کلیک کنید تا ببینید که چطور می‌توانید بصورت ماهیانه با مبالغ اهدایی خود در این امر خطیر یعنی گسترش انجیل به تمام جهان حتی ملل مسلمان و هندو به ما کمک کنید](http://www.rlhymersjr.com/donate.html).

هر وقت برای دکتر هایمرز مطلبی می‌نویسید، همیشه کشور محل زندگی خودتان را قید بفرمایید. ایمیل دکتر ‌هایمرز [rlhymersjr@sbcglobal.net](mailto:rlhymersjr@sbcglobal.net) می‌باشد.

سه دلیل برای اثبات رستاخیز مسیح

**THREE PROOFS OF CHRIST’S RESURRECTION**

(Farsi)

دکتر ر. ل. هایمرز

by Dr. R. L. Hymers, Jr.

خطابه‌ی موعظه شده در کلیسای باپتیست لس آنجلس

عصر روز یکشنبه، ۱ آوریل ۲۰۱۸

A sermon preached at the Baptist Tabernacle of Los Angeles

Lord’s Day Evening, April 1, 2018

"زیرا پادشاهی که در حضور او به دلیری سخن می‌گویم، از این امور مطلع است، چونکه مرا یقین است که هیچ یک از این مقدمات بر او مخفی نیست، *زیرا که این امور در خلوت واقع نشد*" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

لوقا در فصل ۲۶ اعمال رسولان، شهادتنامه بازگشت پولس را برای مرتبه سوم نقل می‌کند. دلیل اینکه لوقا آن را سه مرتبه عنوان می‌کند بسیار ساده است. به غیر از مرگ و رستاخیز مسیح، هیچ رویدادی در تاریخ مسیحیت وجود ندارد که مهمتر از بازگشت پولس رسول باشد.

پولس بازداشت شده بود چون موعظه می‌کرد و می‌گفت،

"در حق عیسی نامی که مرده است و پولس می‌‌گوید که او زنده است" (اعمال رسولان ۲۵:۱۹).

و اکنون پولس، با دستانی در غل و زنجیر، در برابر اغریپاس پادشاه ایستاده بود. اغریپاس خودش یهودی بود. پس پولس بر اساس نبوتهای عهد عتیق درباره رستاخیز مسیح از آنچه موعظه کرده بود دفاع کرد. پولس همچنین با گفتن اینکه اغریپاس پادشاه درباره مصلوب شدن و رستاخیز مسیح از قبل می‌دانست از خودش دفاع کرد. مصلوب شدن و رستاخیز تقریبا سی سال پیش از آن اتفاق افتاده بود. هر شخص یهودی درباره آن می‌دانست، حتی اغریپاس پادشاه. پس پولس گفت،

"... زیرا پادشاهی که در حضور او به دلیری سخن می‌گویم، از این امور مطلع است، چونکه مرا یقین است که هیچ یک از این مقدمات بر او مخفی نیست، زیرا *که این امور در خلوت واقع نشد*" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

"این امور در خلوت واقع نشد." این یک اصطلاح یونانی روزمره آنموقع بود. یادداشتهای دکتر گبلین می‌گوید،

رسالت عیسی در سرتاسر فلسطین شناخته شده بود و اغریپاس درباره آن شنیده بود. مرگ عیسی و رستاخیز او به وفور شهادت داده شده بود و انجیل مسیحیان در این زمان برای سه دهه بود که اعلام می‌شد. یقینا پادشاه از این امور باخبر بود، "زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (***The Expositor’s Bible Commentary,*** Frank E. Gaebelein, D.D., General Editor, Zondervan Publishing House, 1981, volume 9, p. 554; note on Acts 26:25-27).

بسیاری از مردم امروزه فکر می‌کنند که رستاخیز مسیح یک رویداد مبهم و نامعلومی بود که فقط چند ماهیگیر بیسواد از آن مطلع بودند. ولی این اشتباه محض است! هر شخص یهودی در اسرائیل از قیام و رستاخیز مسیح خبر داشت و در سرتاسر دنیای روم قدیم به مدت سی سال درباره آن صحبت می‌شد! رستاخیز مسیح مخفی و پنهان نمانده بود!

"زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

دکتر لنسکی گفته،

تمام آنچه درباره عیسی گفته شد در خود پایتخت آن کشور و در شورای یهود به انجام رسید و [فرماندار رومی] پیلاطس در آن نقش داشت و در نتیجه عیسی یک چهره ملی بشمار می‌رفت که شهرتش حتی به ملل همسایه نیز رسیده بود. "در خلوت واقع نشد"... نه یک امر کوچک مبهم و نامعلومی که کسی چیزی از آن نمی‌دانست، بلکه امری که چنان بزرگ و مهم است، چنان در انظار عمومی و گسترده که اغریپاس [پادشاه] مجبور شده بود درباره آن یک نظر کامل ملوکانه ارائه بدهد (R. C. H. Lenski, D.D., ***The Interpretation of the Acts of the Apostles,*** Augsburg Publishing House, 1961 edition, p. 1053; note on Acts 26:26).

"زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

دشمنان مسیح سه دهه وقت داشتند که ثابت کنند او از مردگان قیام نکرده بود. *با اینحال موفق نشده بودند.* هر چقدر هم که سعی کردند، دشمنان موفق نشده بودند ثابت کنند که عیسی پس از مصلوب شدندش همچنان مرده باقی ماند. تا زمانی که پولس با اغریپاس پادشاه صحبت کرد، هزاران یهودی و دهها هزار غیریهودی اعلام کردند، "مسیح از مرگان برخاسته است."

قیام مسیح اساس و بنیاد مسیحیت است. اگر بدن عیسی از قبر برنخاست، پایه و اساسی برای ایمان مسیحیت وجود ندارد. خود پولس رسول گفت،

"و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل [بی ارزش] است نیز ایمان شما" (اول قرنتیان ۱۵:۱۴).

تعجبی ندارد که دشمنان مسیح به حد زیادی سعی می‌کردند تا رستاخیز عیسی را نفی کنند! با اینحال همه شکست خوردند. من با گرگ لوری بر سر موضوعات زیادی اختلاف نظر دارم، ولی در باب رستاخیز مسیح با او هم عقیده هستم. گرت لوری سه دلیل ارائه می‌دهد که چرا دشمنان مسیح موفق نشدند – یعنی سه مدرک درباره قیام عیسی مسیح از مردگان (Greg Laurie, ***Why the Resurrection?*** Tyndale House Publishers, 2004, pp. 13-24). من در اینجا خلاصه‌ای از آنها را عنوان می‌کنم.

"زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

**.I اول، قبر خالی.**

اولین اثبات رستاخیز عیسی همان قبر خالی است. این حقیقت که قبر عیسی سه روز بعد از مرگش خالی بود، یکی از بزرگترین گواهی و اثبات رستاخیز اوست. هر چهار انجیل نگار کاملا موافقند که قبر مسیح سه روز بعد از مرگ وی خالی بود.

بزرگترین حمله برعلیه رستاخیز مسیح این بود که کسی بدن عیسی را برداشته بود. مشایخ قوم

"... نقره بسیار به سپاهیان داده، گفتند: بگویید که شبانگاه شاگردانش آمده، وقتی که ما در خواب بودیم او را دزدیدند... ایشان پول را گرفته، چنانکه تعلیم یافتند کردند و این سخن تا امروز در میان یهود منتشر است" (متی ۱۵-۲۸:۱۲).

ولی این استدلال نتوانست مردم زیادی را قانع کند. عقل سلیم حکم می‌کند که شاگردان نباید بدن او را دزیده و وانمود کرده باشند که او قیام کرده. شاگردان سه روز قبل از آن وقتی مسیح دستگیر و مصلوب شد برای حفظ جانشان فرار کرده بودند. خیلی بعید است که آن افراد ترسیده و وحشت کرده به قدری شهامت پیدا کرده باشند که بتوانند بدن عیسی را بدزدند – و بعد با شهامت موعظه کنند که او از مردگان برخاسته – یعنی با به خطر انداختن جانشان! نه، این استدلال خیلی نامحتمل است! حقایق موجود این چیزها را تایید نمی‌کند. شاگردان در اتاقی دربسته خودشان را پنهان کرده بودند، "به سبب ترس یهود" (یوحنا ۲۰:۱۹). آنها شوکه شده بودند. باور نمی‌کردند که عیسی دوباره قیام کند. هیچکدام از پیروان مسیح ایمان و شهامت این را نداشت که دولت روم را به چالش بکشاند و بدن عیسی را بدزدد. این یک حقیقت روانشناسی است که نمی‌شود آن را نادیده گرفت.

تنها مظنونین دیگری که می‌توانستند بدن مسیح را بدزدند، دشمنانش بودند. مشکل این نظریه اما این است که دشمنان مسیح هیچ انگیزه‌ای برای نقب زدن به قبر او نداشتند. مشایخ قوم و دیگر رهبران مذهبی مسیح را محکوم به مرگ کرده بودند چون نظام مذهبی و سبک زندگی آنها را تهدید کرده بود. تنها چیزی که آنها نمی‌خواستند اتفاق بیافتد این بود که مردم فکر کنند مسیح دوباره زنده شده! به این دلیل بود که این رهبران مذهبی با مشقت زیادی سعی کردند هر سر نخی از رستاخیز او را از بین ببرند. انجیل متی به ما می‌گوید که آنها پیش فرماندار رومی یعنی پانتیوس پیلاطس رفتند و،

"گفتند: ای آقا ما را یاد است که آن گمراه کننده وقتی که زنده بود گفت: بعد از سه روز بر ‌می‌خیزم. پس بفرما قبر را تا سه روز نگاهبانی کنند مبادا شاگردانش در شب آمده، او را بدزدند و به مردم گویند که از مردگان برخاسته است و گمراهی آخر، از اوّل بدتر شود" (متی ۶۴-۲۷:۶۳).

پیلاطس به آنها گفت نگهبانان گماشته و قبر را "چنانکه دانید، محافظت کنید" – یعنی محافظین را بر سر قبر بگذارید و آنرا به بهترین نحو ممکن مراقبت کنید (متی ۲۷:۶۵). به این ترتیب آنها قبر را مهر و موم کردند و سربازانی برای محافظت از آن گماشتند (متی ۲۷:۶۶). عجیب است ولی اینطور بنظر می‌رسد که این مشایخ قوم و رهبران مذهبی اطمینان بیشتری به رستاخیز مسیح داشتند تا شاگردان خودش!

حقیقت این است که رهبران مذهبی اقدامات شدیدی اتخاذ کردند تا بدن مسیح را از ربوده شدند محافظت کنند. آنها می‌خواستند ثابت کنند که وعده مسیح برای برخاستن از مردگان دروغی بیش نبود. رهبران مذهبی هر کاری که می‌توانستند انجام دادند تا شانس هرگونه انتشار خبر قیام مسیح از مردگان را از بین ببرند. ربودن آن جسد آخرین کاری بود که دشمنان مسیح می‌توانستند به آن فکر کنند. ولی اگر آنها اینکار را کرده بودند، بدون شک وقتی شاگردان شروع به موعظه درباره رستاخیز او کردند، جسد عیسی را رو می‌کردند. ولی دشمنان مسیح جسدی رو نکردند. چرا؟ *چون در واقع جسدی برای رونمایی نداشتند!* قبر خالی بود! مسیح از مردگان برخاسته بود!

"زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

قبر خالی اولین مدرک رستاخیز مسیح از مردگان است، ولی شواهد بیشتری وجود دارد!

**.II دوم، گزارش شاهدان عینی.**

وقتی عیسی مصلوب شد، شاگردانش ناامید شده بودند. ایمانشان متلاشی شده بود. امیدی نداشتند که او را دوباره زنده ببینند. در این هنگام عیسی آمد،

"در میان ایستاد و بدیشان گفت: سلام بر شما باد" (یوحنا ۲۰:۱۹).

شاگردان او را بارها زنده دیدند.

"که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می‌شد" (اعمال ۱:۳).

پولس رسول درباره مسیح قیام کرده گفت که او،

"به کیفا [پطرس] ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده، و پس از آن، به زیاده از پانصد برادر یک بار ظاهر شد... از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد به جمیع رسولان. و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید" (اول قرنتیان ۸-۱۵:۵).

دکتر جان ر. رایس گفته،

توجه کنید که دیدن عیسی بعد از رستاخیزش توسط آن چند صد نفر چه خوف و اثری داشته، برخی حتی بارها او را در مدت آن چهل روز مشاهده کردند! [اعمال ۱:۳]. قانون کتاب مقدس می‌گفت "از دهان دو یا سه شاهد." اینجا چند صد نفر شاهد وجود داشت. در بسیاری موارد یک شخص با شهادت یک یا دو شاهد عینی به مرگ محکوم شده است.

فقط دوازده نفر در یک هیات منصفه لازم است که در یک پرونده مهم به توافق برسند. اینجا ما عملا صدها شاهد عینی هم نظر داریم که می‌گفتند عیسی از مردگان برخاسته بود. *حتی یک نفر پیدا نشد بگوید که بدن مرده او را بعد از روز سوم دیده باشد، یا هیچکدام از شواهد را نفی و تکذیب کند.*

شهادت آن شاهدان – یعنی شاهدان عینی، شاهدانی که به نجات دهنده دست زدند، او را لمس کردند، جای میخها در دست و پای او را لمس کردند، دیدند که غذا می‌خورد و به مدت چهل روز با او رابطه داشتند – آن شهادت یک مدرکی بود قویتر از هر پرونده‌ای که لازم است به حضور دیوان عالی ایالات متحده یا به حضور هر دادگاه دیگر در این دنیا برده بشود... شواهد آنقدر زیاد است که فقط کسانی که نمی‌خواهند باور کنند و شواهد را بررسی کنند آن را رد می‌کنند. تعجبی ندارد که کتاب مقدس اعلام می‌کند عیسی "بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار،" اعمال رسولان ۱:۳ (John R. Rice, D.D., ***The Resurrection of Jesus Christ,*** Sword of the Lord Publishers, 1953, pp. 49-50).

"زیرا این امور در خلوت واقع نشد" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

قبر خالی و صدها شاهد عینی شواهدی محکم و قوی از رستاخیز مسیح از مردگان هستند. ولی شواهد بیشتری هم وجود دارد.

**.III سوم، به شهادت رسیدن رسولان.**

اگر رستاخیز یک دروغ بود چرا هر یک از رسولان آنقدر رنج و عذاب را متحمل شدند تا آنرا اعلام کنند؟ رسولان نه تنها به موعظه درباره رستاخیز مسیح ادامه دادند، بلکه حاضر شدند بمیرند تا اینکه آنرا انکار کنند! با خواندن تاریخ کلیسا می‌فهمیم که هر یک از رسولان [به استثنای یوحنا – که شکنجه و تبعید شد] به مرگ فجیعی مردند چون موعظه کردند که مسیح از مردگان قیام کرده بود. دکتر د. جیمز کندی گفته،

این یک حقیقت شدیدا مهمی است. در تارخچه روانشناسی هرگز دیده نشده که شخصی حاضر باشد زندگی‌اش را فدا کند برای چیزی که می‌داند دروغ و کذب است. من همیشه فکر کردم که چرا خدا اجازه داد رسولان و تمام مسیحیان اولیه آنقدر رنج و عذاب را تحمل کنند، آن شکنجه‌های وحشتناک و باورنکردی را... در اینجا امین بودن، شخصیت، رنج کشیدن و مرگ این شاهدان را داریم که بیشتر آنها با خونشان شهادتشان را مهر و موم کردند... پل لیتل گفته، "آدمها برای چیزی که می‌دانند درست است جانشان را خواهند داد... ولی برای چیزی که می‌دانند دروغ است جانشان را فدا نمی‌کنند" (D. James Kennedy, Ph.D., ***Why I Believe,*** Thomas Nelson Publishers, 2005 edition, p. 47).

این آدمها مردند چون گفتند که شاهد رستاخیز مسیح از مردگان بودند:

پطرس – به شدت شلاق زده شد و سپس به شکل وارونه مصلوب شد.

اندریاس – بر صلیبی به شکل X مصلوب شد.

یعقوب، پسر زبدی – سر از تنش جدا کردند.

یوحنا – در دیگی از روغن جوشان انداخته شد و بعد

به جزیره پطمس تبعید شد.

فیلیپس – شلاق خورد و بعد مصلوب شد.

بارتولما – زنده پوستش را کندند و بعد مصلوبش کردند.

متی – سرش را از تن جدا کردند.

یعقوب، برادر خداوند – از بالای معبد به پایین انداخته شد

و بعد آنقدر او را زدند تا جان سپرد.

تدیوس یا تدی – با تیرهای رها شده از کمان کشته شد.

مرقس – آنقدر بر زمین کشیده شد تا جان سپرد.

پولس – سرش را از تن جدا کردند.

لوقا – از درخت زیتونی به دار آویخته شد.

توما – در میان پرتاب نیزه‌ها دوانده شد و بعد

به داخل شعله‌های آتش در کوره‌ای انداخته شد.

(***The New Foxe’s Book of Martyrs,*** Bridge-Logos Publishers,

1997, pp. 5-10; Greg Laurie, ***Why the Resurrection?***

Tyndale House Publishers, 2004, pp. 19-20).

این آدمها متحمل عذابهای وحشتناکی شدند و با مرگهای هولناکی جانشان را از دست دادند فقط چون می‌گفتند که مسیح از مردگان برخاست. آدمها بخاطر چیزی که ندیده‌اند نمی‌میرند! این آدمها مسیح را بعد از اینکه از قبر قیام کرد دیدند! به این دلیل است که مرگ و شکنجه نتوانست آنها را از اعلام، "مسیح از مردگان برخاسته" متوقف کند!

پطرس او را دید آنجا در ساحل،

با او خورد آنجا کنار دریا؛

عیسی می‌گفت، با لبهایی که زمانی مرده بود،

"پطرس، آیا مرا محبت می‌کنی؟"

او که مرده بود دوباره زنده شده!

او که مرده بود دوباره زنده شده!

چنگال سرد و قوی موت را شکسته –

او که مرده بود دوباره زنده شده!

(“Alive Again” by Paul Rader, 1878-1938).

این آدمها از بزدلانی بی ایمان تبدیل شدند به شهیدانی نترس – چون مسیح را بعد از قیامش از قبر دیدند!

توما او را آنجا در اتاق دید،

او را خداوند و استاد خود خطاب کرد،

گذاشت انگاشتانش را بر آن زخمها

که حاصل میخها بود و نیزه‌ها.

او که مرده بود دوباره زنده شده!

او که مرده بود دوباره زنده شده!

چنگال سرد و قوی موت را شکسته –

او که مرده بود دوباره زنده شده!

(رجوع به Paul Rader).

چقدر دلم می‌خواهد که کلیسایمان یاد می‌گرفت آن سرود پل رادر را دوباره می‌خواند! اگر برای من بنویسید و بخواهید، موسیقی آن سرود را برایتان می‌فرستم. می‌توانید به این آدرس نامه‌تان را بنویسید Dr. R. L. Hymers, Jr., P.O. Box 15308, Los Angeles, CA 90015 – و درخواست موسیقی آهنگ پل رادر با عنوان "دوباره زنده" را بکنید.

می‌توانیم شواهد خیلی بیشتری برای رستاخیز مسیح عنوان کنیم، ولی شما را متقاعد نمی‌کند. بعضی از کسانی که مسیح را بعد از قیامش از مردگان دیدند هنوز "شک داشتند" (متی ۲۸:۱۷). باید با ایمان پیش مسیح بیایید. مسیح پیش از جسم گرفتن گفت،

"و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت" (ارمیا ۲۹:۱۳).

"چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت" (رومیان ۱۰:۱۰).

من با مسیح قیام کرده ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۶۱، در تالار دانشکده بیولا (حالا دانشگاه شده) ملاقات کردم، بعد از اینکه به خطابه‌ای از دکتر چارلز ج. وودبریج گوش کردم، کسی که مدرسه الهیات فولر را بخاطر شروع لیبرالیسم در آنجا در سال ۱۹۵۷ ترک کرده بود (see Harold Lindsell, Ph.D., ***The Battle for the Bible,*** Zondervan Publishing House, 1978 edition, p. 111). و شما هم می‌توانید مسیح قیام کرده را بشناسید – یعنی اگر می‌خواهید او را به اندازه‌ای بشناسید که می‌خواهید "جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید" (لوقا ۱۳:۲۴). وقتی پیش مسیح بیایید، گناهانتان کفاره داده خواهند شد و با خون او پاک می‌شوند – و با رستاخیز او از مردگان تولد تازه پیدا می‌کنید. دعا می‌کنم که بزودی پیش مسیح بیایید! آمین.

**وقتی برای دکتر هایمرز مطلبی می‌نویسید باید به او بگویید که اهل چه کشوری هستید وگرنه نمی‌تواند جواب ایمیلتان را بدهد.** اگر این خطابه شما را برکت داد، لطفا به دکتر هایمرز ایمیل بفرستید و اینرا به او بگویید. لطفا اینرا هم بگویید که از چه کشوری برای او می‌نویسید – ایمیل دکتر هایمرز این است (اینجا را کلیک کنید) [rlhymersjr@sbcglobal.net](mailto:rlhymersjr@sbcglobal.net). می‌توانید به هر زبانی برای دکتر هایمرز بنویسید، اما اگر می‌توانید به زبان انگلیسی بنویسید. اگر می‌خواهید با پست برای او بنویسید، آدرس او چنین است: P.O. Box 15308, Los Angeles, CA 90015. می‌توانید با شماره تلفن ۳۵۲-۰۴۵۲(۸۱۸) با او تماس بگیرید.

(پایان موعظه)

شما می‌توانید موعظه‌های دکتر ‌هایمرز را هر هفته در اینترنت به این آدرس بخوانید

[www.sermonsfortheworld.com](http://www.sermonsfortheworld.com)

روی "موعظه‌ها به فارسی" کلیک کنید.

این خطابه‌ها از حق چاپ برخوردار نیستند. شما می‌توانید بدون اجازه دکتر ‌هایمرز از آنها استفاده کنید. اما تمام پیامهای ویدیویی دکتر هایمرز و تمام ویدیوهای دیگر از کلیسای ما، از حق چاپ برخوردارند و فقط با گرفتن اجازه قابل استفاده هستند.

سرود تک نفره پیش از خطابه توسط آقای بنجامین کینکید گریفیت:

“In Christ Alone” (by Keith Getty and Stuart Townend, 2001).

رئوس مطالب

سه دلیل برای اثبات رستاخیز مسیح

**THREE PROOFS OF CHRIST’S RESURRECTION**

دکتر ر. ل. هایمرز

"زیرا پادشاهی که در حضور او به دلیری سخن می‌گویم، از این امور مطلع است، چونکه مرا یقین است که هیچ یک از این مقدمات بر او مخفی نیست، *زیرا که این امور در خلوت واقع نشد*" (اعمال رسولان ۲۶:۲۶).

(اعمال رسولان ۲۵:۱۹؛ اول قرنتیان ۱۵:۱۴)

.I اول، قبر خالی، متی ۱۵-۲۸:۱۲؛ یوحنا ۲۰:۱۹؛

متی ۶۶، ۶۵، ۶۴-۲۷:۶۳.

.II دوم، گزارش شاهدان عینی، یوحنا ۲۰:۱۹؛ اعمال ۱:۳؛

اول قرنتیان ۸-۱۵:۵.

.III سوم، به شهادت رسیدن رسولان، متی ۲۸:۱۷؛

ارمیا ۲۹:۱۳؛ رومیان ۱۰:۱۰؛ لوقا ۱۳:۲۴.